

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال نهم، بهار ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۳۱

بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله مصباح یزدی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۴

عسکری سلیمانی امیری *

سیدابوالقاسم حسینی **

معتولات که از نوع مفاهیم کلی اند بر سه دسته تقسیم می شوند: معقول اول، معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی. علامه طباطبایی معقول ثانی فلسفی را به مفاهیمی که عروض آنها ذهنی و اتصافشان خارجی اند تعریف کرده و نقش علم حضوری را در دستیابی به آن برجسته شمرده است. آیت الله مصباح یزدی این نوع از مفاهیم را مفاهیمی انتزاعی که حاکی از نحوه وجود است می داند و همچون استادش نقش علم حضوری را برجسته می شمارد. وی برای سنجش و کندوکاو ذهنی نقش زیادی قایل است و، از این رهگذر، دامنه معتولات ثانیه را گسترش داده است.

از آنجاکه علامه طباطبایی ثبوت خارجی وجود رابط را پذیرفته است، چگونگی ارتباط معتولات ثانیه فلسفی را با خارج به نحو وجود فی غیره تفسیر می کند. تحقق این مفاهیم را در خارج به نحو وجود رابط و فی غیره می داند. اما آیت الله مصباح یزدی تحقق مفاهیم فلسفی را صرفاً به وجود منشأ انتزاع دانسته، هیچ نحو وجودی - حتی ضعیف - برای مفاهیم فلسفی در خارج قایل نیست،

* عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

** دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

چه ایشان تحقق خارجی وجود رابط و نسبت را در خارج قبول ندارد.

واژگان کلیدی: معقول ثانی فلسفی، وجود، عروض، اتصاف، وجود رابط، علامه طباطبایی.

مقدمه

طبیعت و جایگاه مفاهیم فلسفی و ارتباطشان با واقع خارجی از معضلات مباحث فلسفی است. در بین حکمای اسلامی، فارابی - هرچند توجه ضمنی به خارجیت مفهوم وجود نموده است - به خارجیت مفاهیم فلسفی جز وجود اشاره نکرده است. شاید بتوان از رهگذر عین وجود خارجی دانستن برخی مفاهیم فلسفی از نظر ایشان به خارجیت آنها پی برد. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱۷۷)

ابن سینا می‌گوید که آنها عرض یا عرضی هستند. (ربک، فنایی، ۱۳۸۷: ۷۴ و ۳۰ - ۳۶) شیخ اشراق این دسته از مفاهیم را اعتباری می‌خواند و همه آنها را به طور کلی ذهنی می‌داند و هیچ حیثیت منشأ انتزاعی - حتی به نحو عینیت با معروض خود - برای آن در خارج قایل نیست. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۹۷)

ملاصدرا بر این عقیده است که اتصاف یک موجود عینی به صفتی که هیچ نحو وجودی در خارج نداشته باشد، معقول نیست. اگر موصوف امری خارجی است و اتصافش به صفتی نیز در عالم خارج است، لاجرم آن صفت ریشه در عالم خارج دارد و دارای حظی از وجود است. از این حیث، بین صفات انضمامی و انتزاعی تفاوتی نیست. اما خارج دارای مراتبی است، چه مطابق اصل تشکیک در وجود، هستی حقیقتی دارای مراتب مختلف شدید و قوی و ضعیف و متوسط است و به نحوی است که همه چیز حتی اضافات، اعدام ملکات و انتزاعیات را نیز شامل می‌شود. از همین رو، ملاصدرا بر این اعتقاد می‌باشد که وجود معقولات

ثانیه فلسفی از سنخ وجود رابط است.

علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح یزدی در خصوص معقول ثانی فلسفی و نحوه تحقق خارجی آن در موارد زیادی سخن گفته‌اند. از این رو، ما در این مقاله، پس از تبیین چستی معقول ثانی فلسفی از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح یزدی و بیان تقسیماتی که این دو اندیشمند برای وجود ذکر کرده‌اند، به چگونگی ارتباط این دسته از مفاهیم با خارج از نظرگاه دو متفکر خواهیم پرداخت.

تعریف معقول ثانی فلسفی از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی علم حصولی را براساس تقسیم‌ثنائی به حقیقی و اعتباری تقسیم‌بندی می‌کند:

مفهوم حقیقی: مفهومی است که هم در ذهن و هم در خارج تحقق دارد، ولی وجود ذهنی آن آثاری را که وجود خارجی دارد دارا نمی‌باشد، مثل مفهوم انسان. ویژگی مفهوم حقیقی تساوی نسبت به وجود و عدم می‌باشد. این مفاهیم ماهیات هستند که در جواب «ما هو» قرار می‌گیرند.

مفهوم اعتباری: مفهومی است که غیرحقیقی است این نوع از مفاهیم براساس تقسیم‌ثنائی بر سه نوع می‌باشند. این مفاهیم: از آنجایی که معلوم ما می‌باشند، ذهنی‌اند. اما از جهت مصادیق، یا خارجی محض می‌باشند و به هیچ‌وجه داخل در ذهن نمی‌شوند، مثل وجود و ملحقیات آن، یا غیرخارجی‌اند. نوع دوم از مفاهیم یا بطلان محض می‌باشند، مثل عدم، یا ذهنی محض می‌باشند که هیچ راهی به خارج ندارند، مثل مفهوم کلی و جنس و فصل. از ویژگی دسته دوم عدم انتزاع از مصادیق خارجی می‌باشد، هرچند منتزاع از مصادیقی ذهنی می‌باشند، چراکه آثار خارجی بر این مصادیق مترتب نمی‌شود. ویژگی دیگر این دسته

ماهیت نداشتن می‌باشد. به بیان دیگر، مفاهیم اعتباری یا مصادیقشان در خارج هست و آثار خارجی بر مصداق مترتب می‌شود یا مصادیقشان در ذهن متحقق می‌باشند و راهی به خارج ندارند یا این‌که نه در خارج و نه در ذهن می‌باشند. (طباطبایی، ب ۱۴۲۴: ۳۱۷)

ایشان در بحث از مواد قضایا تعریفی که حاجی سبزواری از معقول ثانی بیان داشته را ارائه کرده است: «و الامکان من المعقولات الثانية الفلسفية التي عروضها في الذهن والاتصاف بها في الخارج». (همان: ص ۶۰)

علامه طباطبایی در خاتمه این بحث می‌فرماید:

پس، این دو (امکان و وجوب) در خارج موجود می‌باشند، البته نه به صورت موجودی مستقل و جداگانه بلکه موجود به وجود موضوعشان می‌باشند. پس، این دو همانند وحدت و کثرت، حدوث و قدم و بقیة مفاهیم فلسفی که در فلسفه از آنها بحث می‌شود از شئون وجودی برای مطلق وجود هستند که از آن به معقولات ثانی تعبیر می‌شود. (همان: ۸۸)

با توجه به عباراتی که در بالا آمد و عبارات دیگر، می‌توان ویژگی معقولات ثانیة فلسفی از دیدگاه علامه را این‌گونه بیان کرد: معقولات ثانی فلسفی مفاهیمی هستند اعتباری و غیرحقیقی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶: ۳۰۱-۳۰۵) که ذهنی می‌باشند (طباطبایی، ج ۱۴۲۴: ۳۱۵) و ذهن آن‌ها را با نوعی تحمل (همو، الف ۱۴۲۴: ۱۸۶) از نحوه وجود موضوعاتشان انتزاع می‌کند (همو، ب ۱۴۲۴: ۱۱۳)، ولی مصادیق آنها خارجی می‌باشد، هر چند که وجود خارجی آنها وجودی منحاز و مستقل نیست. (همان: ۸۸)

علامه طباطبایی در آثار خود به تعریف صریحی از عروض و اتصاف نپرداخته است، ولی عباراتی دارد که از آنها می‌توان معنای این دو واژه را به

دست آورد. ایشان در عبارات متعدد در مباحثی که دربارهٔ مصادیق معقول ثانی بحث می‌کند می‌فرماید که اتصاف خارجی این مفاهیم به موضوعاتشان به معنای داشتن وجود مستقل و منحاز نیست و وجود خارجی آنها به وجود موضوعشان می‌باشد. لذا، باید گفت اتصاف خارجی از دیدگاه علامه به معنای «وجود منحاز و مستقل نداشتن» می‌باشد و با مقابله این دو واژه می‌توان پی برد که مراد از عروض ذهنی «وجود منحاز و مستقل داشتن» می‌باشد:

- همانا اتصاف به صفتی لازم‌اش تحقق آن در خارج به صورت منحاز و مستقل نمی‌باشد بلکه تحقق و وجود آن به وجود موصوفش کفایت می‌کند.
(همان: ۶۰)

- و اما نحو وجود آن به این صورت است که عقل از نسبت دو طرفه که بین دو موضوع است و بینشان ملازمه برقرار است، بدون اینکه چیزی بیفزاید، وصفی که ناعت برای آنها است انتزاع می‌کند و آن صفت در خارج موجود به وجود موضوعش است و دارای وجودی مستقل و منحاز نمی‌باشد. (همان: ۱۶۴)

همان‌طوری که در عبارت اولی تصریح شده است لازمهٔ اتصاف به وصف در خارج وجود مستقل آن نیست بلکه موجود بودن به وجود موضوع کفایت می‌کند. به بیانی دیگر، اتصاف یعنی موجود به وجود موضوع بودن.

در عبارت دوم نیز که در مورد وجود خارجی اضافه آمده - که از هیئات نسبی می‌باشد (همان: ۱۶۲) و ایشان این هیئت‌های نسبی را از مفاهیم عامه‌ای می‌داند که از نحوهٔ وجود موضوعشان انتزاع می‌شوند (همان: ۱۱۳) و از معقولات ثانیه به حساب می‌آورد - تصریح کرده است که وجودش را به وجود موضوعش می‌داند و وجود مستقلی برای آن قایل نیست. از این‌رو، در این عبارت نیز اتصاف اضافه را که خارجی می‌باشد به معنای وجود مستقل نداشتن گرفته است.

تعریف معقول ثانی فلسفی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی واژه معقول ثانی فلسفی را برای این مفاهیم نمی‌پسندد و تنها برای همراهی با قوم این اصطلاح را به کار می‌برد. و به جای آن، مفاهیم فلسفی را به کار می‌برد. (مصباح یزدی، ۱۴۰۵: ۲۲۶)

در یک دسته‌بندی، ایشان مفاهیم کلی را دوگونه می‌داند: مفاهیمی قابل حمل بر امور عینی، مانند مفهوم انسان که بر حسن و حسین و دیگران حمل می‌گردد و مفاهیمی غیرقابل حمل بر امور عینی، که تنها بر مفاهیم و صورت‌های ذهنی حمل می‌گردد، مانند مفهوم کلی و جزئی. در پی این تقسیم، مفاهیمی که بر اشیاء خارجی حمل می‌شوند را بر دو دسته تقسیم می‌کند: مفاهیمی که ذهن آنها را به طور خودکار از موارد خاص انتزاع می‌کند و مفاهیمی که انتزاع آنها به طور خودکار نمی‌باشد، بلکه نیازمند کندوکاو ذهنی و مقایسه اشیاء با یکدیگر است.

مفاهیمی که حمل بر اشیاء خارجی می‌شوند و خودکار انتزاع می‌گردند مفاهیم ماهوی نام دارند، مانند مفهوم انسان و درخت. و مفاهیمی که حمل بر اشیاء خارجی شده، با کندوکاو ذهنی انتزاع می‌گردند را مفاهیم فلسفی گویند، مانند مفهوم علت و معلول. و آن دسته از مفاهیمی که حمل بر اشیاء خارجی نمی‌شوند و تنها بر مفاهیم و صورت‌های ذهنی حمل می‌شوند را مفاهیم منطقی می‌نامند، مانند کلی و جزئی.

آیت‌الله مصباح یزدی مفاهیم ماهوی را مفاهیمی می‌داند که حاکی از ماهیت خاصی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۰۰ و ۲۲۹) برعکس، مفاهیم فلسفی از انحاء وجود اشیاء نه حدود ماهوی آنها حکایت می‌کنند.

ایشان هر چند واژه عروض و اتصاف را در تعاریف مفاهیم سه‌گانه به‌کار

می‌برد، تفسیر خاصی از دو واژه ارائه می‌دهد: اتصاف نزد آیت الله مصباح‌یزدی به معنای مطلق حمل است و خارجیت یا ذهنیت آن به معنای خارجیت یا ذهنیت مطابق حمل است، اعم از آنکه در این حمل، موضوع و محمول در واقع خود با یکدیگر مغایر باشند یا نباشند. و ایشان عروض ذهنی را به معنای مابازاء عینی نداشتن و از نحوه وجود حکایت کردن و، در مقابل، عروض خارجی را به مابازاء عینی داشتن و حاکی از حد وجود بودن تفسیر می‌کند. (همان: ۱۹۹-۲۰۰ و ۲۹۲)

تقسیم‌بندی وجود از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه موجود را به دو قسم دسته‌بندی می‌کند: موجودی که وجود فی نفسه دارد و موجودی که وجود فی غیره دارد. از آنجاکه ایشان این تقسیم‌بندی را مربوط به خارج می‌داند، برای اثبات این تقسیم‌بندی از قضایای خارجی که موضوع و محمول آن در خارج است کمک جسته و از رهگذر انطباق تمام اجزاء این نوع قضایا بر خارج از ذهن به اثبات وجود خارجی این دو قسم از وجود پرداخته است. ایشان برای اثبات این تقسیم‌بندی و اینکه در خارج هست دو برهان که یکی در ضمن دیگری است به کار برده است. تقریر برهان به طور خلاصه بدین قرار است (مصباح یزدی، ب ۱۴۲۴: ۳۷):

مقدمه اول: هلیات مرکبه صادقه خارجیة داریم که هر یک از موضوع و محمول آنها منطبق بر خارج بوده، وجودی خاص به خود دارند.

مقدمه دوم: در این هلیات مرکبه چیزی هست به نام وجود رابط یا نسبت که از سنخ معانی حرفیه است و آن مفهومی است که حیثیتی جز حیثیت ربط بین مفهوم موضوع و مفهوم محمول ندارد و تحقق این امر وجدانی است.

در مقدمه فوق، علامه طباطبایی وجود شیء دیگری - علاوه بر مفهوم موضوع

و مفهوم محمول - در قضایای مذکور را امری وجدانی معرفی نموده است و در ادامه، برهانی برای اثبات حرفی بودن این مفهوم اقامه کرده است که این‌گونه ارائه می‌شود (همان: ۳۸):

چون هر مفهوم اسمی و مستقل جدا و بی‌ارتباط با سایر مفاهیم است، اگر این رابط هم از سنخ مفاهیم اسمی باشد، مستقل و بی‌ارتباط به موضوع و محمول خواهد بود. در نتیجه، به جای اینکه قضیه شامل دو مفهوم مستقل باشد که به وسیلهٔ رابط به هم مرتبط شده‌اند، شامل سه مفهوم مستقل بدون ارتباط و بریده از هم خواهد بود. و چون فرض قضیه فرض مفاهیم پیوسته و مرتبط است، برای ارتباط این سه مفهوم مستقل (موضوع و محمول و رابط) به دو رابط دیگر احتیاج داریم. نقل کلام به این دو رابط می‌کنیم. این دو رابط نیز اگر مفاهیم مستقل و اسمی باشند، موجب پیوند سه مفهوم مذکور نمی‌شوند و مجدداً به جای یک قضیه با پنج مفهوم مستقل و بی‌ارتباط مواجه هستیم که برای ارتباط آنها به چهار رابط دیگر نیازمندیم. دوباره به این چهار رابط نقل کلام کرده می‌بینیم که در صورت مستقل بودن با نه مفهوم مستقل روبرو خواهیم بود و به همین ترتیب، ادامه می‌دهیم. در نتیجه، می‌بینیم که اگر روابط مفاهیمی اسمی و مستقل باشند، برای ارتباط بین دو مفهوم موضوع و محمول و تشکیل یک قضیه بی‌نهایت مفهوم دیگر لازم است. و این محال است، زیرا به این معنا خواهد بود که وقتی ما یک قضیه یا مرکب تقییدی را تصور می‌کنیم، در واقع، موضوع و محمول را با بی‌نهایت مفهوم دیگر - که بین آن دو هستند - یکجا و بالفعل تصور می‌کنیم و لازمهٔ آن تحقق بی‌نهایت اشیاء ذهنی بالفعل است، که از دو طرف به وسیلهٔ دو شیء ذهنی دیگر (موضوع و محمول) محدود شده‌اند. فرض اشیاء بالفعل

بی نهایت محدود به دو حد (خواه آن اشیاء ذهنی باشند و خواه عینی)، در حقیقت، فرض نامحدود محدود بوده، محال است.

نتیجه

مقدمه سوم و نتیجه: هلیات مرکبه خارجیۀ صادقۀ با تمام اجزاء منطبق بر خارج هستند، یعنی در این قضیه، همان گونه که هر یک از موضوع و محمول منطبق بر خارج اند و مصداقی خاص به خود دارند، نسبت بین موضوع و محمول [که جزء دیگر قضیه است] نیز منطبق بر خارج است و مصداقی خاص به خود دارد. به عبارت دیگر، آنچه آنچنان که خارجی بودن و منطبق بودن قضیه بر خارج اقتضا می کند که هر یک از موضوع و محمول که مفهومی اسمی و مستقل اند در خارج نیز مصداق و وجودی مستقل داشته باشند، همچنین، اقتضا می کند که رابط که مفهومی حرفی و عین الربط به مفهوم و موضوع و محمول است در خارج نیز مصداق و وجودی عین الربط به وجود موضوع و محمول داشته باشد.

علامه طباطبایی، پس از اینکه موجود را به فی نفسه و فی غیره دسته بندی کرد، دسته بندی ای که آن را مربوط به خارج دانست، وجود نفسی را به وجود فی نفسه و لغیره تقسیم بندی کرد و مراد از هر یک را این گونه بیان کرد:
وجود فی نفسه و لغیره: موجودی که وجودش صرفاً از ماهیت خودش طرد عدم می کند، مثل انواع تامه جوهری، همانند انسان و شجر.

وجود فی نفسه و لغیره: موجودی که در عین طرد عدم از ماهیت خود از شیء دیگر طرد عدم می کند؛ این طرد عدم از دیگری نسبت به ماهیت آن شیء دیگر نمی باشد، بلکه عدمی است که زاید بر ماهیت و ذات آن شیء است، چراکه لازمه طرد از ماهیت آن شیء این است که موجود واحد دو ماهیت داشته باشد و این محال است. به بیان دیگر، وجود فی نفسه و لغیره، در عین اینکه از ماهیت خود

عدم را نفی می‌کند، با برطرف کردن نقص عرضی یا جوهری از موضوع خودش، عدمی که زاید بر ذات موضوعش می‌باشد را نیز نفی می‌کند.

وجود اعراض و صورت‌های نوعیه دلیلی بر تحقق چنین وجودی در خارج است، چراکه هر دو، علاوه بر اینکه از ماهیت خود عدم را نفی می‌کنند و، از این رو، شیئی در عالم خارج در بین اشیاء به حساب می‌آیند، نقصی را از موضوع خود نیز بر طرف می‌کنند، خواه نقصی عرضی باشد همان‌طور که در اعراض دیده می‌شود و خواه نقصی جوهری باشد که صورت‌های نوعیه از ماده خود نفی کرده، بدان سبب، ماده خود را تکامل می‌بخشند.

آنچه از صریح بیانات ایشان برمی‌آید این است که ایشان بین دو دسته از وجود یعنی وجود رابط و وجود رابطی فرق گذاشته و وجود فی‌غیره یا رابط را قسیم وجود نفسی قرار داده است، ولی وجود رابطی را قسمی از وجود فی‌نفسه به شمار آورده است. از این رو، ایشان برای وجود رابط هیچ ماهیت قایل نیست، چراکه لازمه ماهیت داشتن مفهوم مستقل داشتن است و برای وجود رابط، مفهومی مستقل نیست. پس، برای این نوع از وجود نفسیتی جز موجود بودن و قائم بودن به وجود طرفین نیست، بلکه «رابط در طرفین قضیه موجود است و قائم به آن دو می‌باشد، به این معنا که خارج از آنها نیست بدون اینکه عین هر دو یا جزء هر دو یا عین یا جزء یکی باشد و منفصل از آنها نیست.» (مصباح یزدی، ب ۱۴۲۴: ۳۸) در مقابل، وجود رابطی را مستقل شمرده‌اند، هر چند وجودی ناعتی دارد و وجود ناعتی‌اش عین وجود نفسی‌اش می‌باشد.

همان‌طوری که بیان شد، صریح عبارت علامه طباطبایی تفاوت بین این دو نحو از وجود است. اما با کنار هم گذاشتن برخی از عباراتش شاید بتوان گفت

که ایشان باید ملتزم به این مطلب بشود که در خارج، وجود رابطی به نحو رابط محقق می‌شود، نه اینکه در کنار موضوع خود وجودی همسان و مستقل داشته باشد. لذا، در خارج سه وجود نخواهیم داشت که یکی وجود مستقل موضوع و دیگری وجود مستقل عرض و وجود سوم به نام رابط که وجودش نسبت به آن دو ضعیف‌تر است. بلکه در خارج دو وجود بیشتر نداریم: وجود موضوع که مستقل است و وجود عرض که به نحو وجود رابط می‌باشد، نه رابطی. ولی ذهن از این دو سه مفهوم انتزاع می‌کند: دو مفهوم مستقل موضوع و محمول و رابط بین آنها. مثلاً در قضیه «زید عالم است»، وقتی این قضیه را بر خارج منطبق می‌کنیم می‌بینیم در خارج زیدی وجود دارد و عالم است، اما علم به وجود خود زید محقق است، یعنی ذاتی است که عین ربط به زید است. حال، وقتی ذهن ما این وجود را تصور می‌کند، مفهوم زید و با لحاظ اینکه علم صفتی برای زید است، مفهوم مستقل علم و با لحاظ عین ربط بودن این صفت به زید، وجود رابط بین آنها را انتزاع می‌کند که در فارسی از آن به است تعییر می‌شود. پس، در خارج یک وجود نفسی داریم و یک وجود رابط و در ذهن دو مفهوم مستقل و یک مفهوم رابط داریم. این سخن در قضایایی که محمول آنها از صفات وجود؛ مانند ممکن و وجوب می‌باشد نیز جاری است.

تذکر این نکته لازم است که این استظهار ما با برخی دیدگاه‌هایش در تعارض می‌باشد، از جمله اینکه علامه طباطبایی مفهوم را فی نفسه مبهم می‌داند و استقلال و عدم استقلال مفهوم را تابع وجودی که از آن منتزع شده است می‌شمارد و این سخن با وجود رابط بودن وجود فی نفسه لغیره (رابطی) سازگار نیست، چه لازمه آن مفهوم غیرمستقل داشتن این نوع وجود خواهد بود. شاید به این صورت بتوان

این ناسازگاری را رفع کرد که وجود رابط خارجی دو حیثیت دارد که از یک حیث، آن مفهوم مستقل و از حیث دیگر، آن مفهوم رابط انتزاع می‌شود.

تقسیم‌بندی وجود از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی، همچون فلاسفه پیشین، وجود را در یک تقسیم‌بندی به وجود مستقل و غیرمستقل دسته‌بندی می‌کند. البته، ایشان - برخلاف علامه - این تقسیم‌بندی را مربوط به مفاهیم می‌داند و مفاهیمی که مستقلاً تصور می‌شوند «وجود اسمی» و از آنجا که قابلیت محمول واقع شدن را دارند «وجود محمولی» می‌نامد و مفاهیمی که به‌طور مستقل قابل تصور نیستند و باید در ضمن جمله و به‌صورت رابط بین دو مفهوم اسمی تصور شوند را «وجود ربطی» یا «رابط» می‌نامد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۸۸)

آیت‌الله مصباح یزدی این نوع از وجود را از قبیل معنای حرفی و معانی اضافی می‌شمارد. ایشان اطلاق واژه وجود بر این نوع وجود را به معنای خاص می‌داند و اشتراک بین این وجود و وجود اسمی را همچون ملاصدرا اشتراک لفظی می‌شمارد که تفاوت نوعی با هم دارند، چراکه وجود محمولی وجودی است که مستقلاً تصورشدنی است و وجود خارجی دارد. ولی وجود رابط چنین ویژگی‌ای ندارد و در خارج محقق نمی‌باشد. پس، اشتراک بین این دو نوع از وجود لفظی است، نه معنوی، همان‌طوری که مرحوم علامه معتقد بود. (همان)

یکی از اختلافاتی که بین علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح یزدی وجود دارد در این مسئله است. براساس دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، وجود رابط و نسبت بین موضوع و محمول در خارج محقق نمی‌باشد. ایشان بر این باور است که وجود خارجی موضوع و محمول در خارج نمی‌تواند دلیلی بر ثبوت خارجی رابط بین آنها باشد، همان‌طوری که موضوع و محمول - هرچند به نحو وجود

ضعیف - در خارج محقق‌اند. و نهایت چیزی که رابط بین موضوع و محمول می‌تواند بر آن دلالت داشته باشد این است که موضوع و محمول در مصداق متحدند و دلالت بر اتحاد مصداقی اعم از ثبوت خارجی می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۴۰۵: ۵۸)

استاد مصباح یزدی دسته‌بندی پیشینیانی همچون ملاصدرا و حاجی سبزواری برای وجود فی نفسه به دو دسته لئفسه و لغیره را به دیده قبول نگریسته و وجود فی نفسه لئفسه را به وجودی که برای تحققش نیازی به محل و موضوع ندارد و وجود فی نفسه لغیره را به وجودی که نیازمند محل و موضوع برای تحقق است تعریف کرده است. ایشان وجود فی نفسه لئفسه را وجود مستقل و وجود فی نفسه لغیره را وجود رابطی یا ناعتی می‌نامد و بر این باور است که قسم دوم به سبب اتحاد وجودی که بین آن و وجود شیء دیگر است منشأ عنوان عرضی برای موجود دیگر است.

از ویژگی‌هایی که آیت‌الله مصباح یزدی برای این دو قسم برمی‌شمارد این است که وجود مستقل نیاز به محل و موضوع برای تحقق ندارد و وجود رابطی نیاز به محل و موضوع دارد، مثل اعراض که نیاز به موضوع و مثل صور نوعیه که نیاز به ماده دارند. همچنین، وجود ناعتی منشأ انتزاع عنوان عرضی برای موجود دیگر است و این عنوان نه طرد عدم از ماهیت این وجود ناعتی می‌کند و نه طرد عدم از ماهیت موجود دیگر، بلکه از وصفی عرضی برای موجود دیگر طرد عدم می‌کند. مثلاً، سیاهی منشأ انتزاع صفت سیاه برای جسم می‌شود و این صفت سیاه نه از ماهیت سیاهی و نه از ماهیت جسم عدمی را طرد نمی‌کند بلکه وصف عرضی را از جسم طرد می‌کند.

همان‌طوری که گفته شد، هر دو قسم لئفسه و لغیره از اقسام وجود مستقل

می‌باشند ولی مستقل بودن به نحو تشکیک بر آنها اطلاق می‌شود؛ وجود لافیه اشد استقلالاً نسبت به وجود لغیره می‌باشد و وجود لغیره نیز نسبت به وجود فی‌غیره - که هیچ استقلالی ندارد - دارای استقلال می‌باشد.

در مورد تحقق عینی وجود رابط و نسبت، از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، تذکر این نکته لازم است که ایشان هرچند ثبوتی برای نسبت در خارج - حتی به نحو ضعیف - قایل نیست معتقد است که «نسبت» به وجود منشأ انتزاع در خارج موجود است. بر این مطلب می‌توان شواهدی ارائه کرد:

۱. استاد مصباح یزدی وجود رابطی را منشأ انتزاع صفت و عنوان عرضی برای جسم - که وجود خارجی دارد - می‌داند. پس، این صفات به وجود منشأ انتزاع در خارج محقق‌اند. از طرفی دیگر، ایشان معتقد است که این صفات از مفاهیم ماهوی نیستند و ماهیت ندارند. به تعبیر دیگر، این صفات از مفاهیم فلسفی‌اند که از نسبت‌ها به حساب می‌آیند، چراکه ایشان یکی از ویژگی‌های مفاهیم فلسفی را مقایسه و نسبت‌سنجی می‌داند. در نتیجه، باید گفت: ایشان نسبت‌ها را در خارج به وجود منشأ انتزاع محقق می‌داند. (همان: ۶۳)

۲. آیت‌الله مصباح یزدی - چنان‌که در قسمت بعد خواهد آمد - بر این باور است که مفاهیم فلسفی به وجود منشأ انتزاع در خارج محقق است. از طرفی دیگر، ایشان اضافه را یکی از اقسام مفاهیم فلسفی برشمرده است. از این رو، باید گفت: ایشان نسبت را در خارج به وجود منشأ انتزاع محقق می‌داند.

چگونگی ارتباط معقول ثانی فلسفی با خارج از دیدگاه علامه طباطبایی

همان‌طور که گفته شد، علامه طباطبایی معقولات ثانیه فلسفی را مفاهیمی اعتباری دانست که حیثیت مصداقشان خارجی است، مثل مفهوم وجود، یا حیثیت

مصادقشان این است که در خارج نیست، مثل عدم. به بیان دیگر، علامه بر این باور است که معقولات ثانیه معانی ای می‌باشند که عروضشان ذهنی و اتصافشان خارجی است. البته، ایشان، در حاشیه خود بر *اسفار*، همچون ملاصدرا عروض این صفات را نیز خارجی دانست، که به زودی توضیح بیشتر در این مورد خواهد آمد.

با دقت در این تعریف و دیدگاه در مورد وجود رابط که آن را در خارج محقق می‌داند و برخی شواهدی که از نحوه وجود اقسام معقولات ثانیه ارائه می‌شود، فهمیده می‌شود که ایشان معقولات ثانیه را که صفات اشیاء هستند در خارج محقق می‌داند و چگونگی این تحقق را به نحو وجود رابط می‌شمارد. به بیان دیگر، ایشان بر این اعتقاد است که معقولات ثانیه فلسفی در خارج وجود فی غیره دارند و هیچ استقلالی وجودی ندارند.

علامه طباطبایی همچون ملاصدرا، علاوه بر خارجیت این معانی، به تغایر خارجی و اتحاد مصداقی در عین تغایر معتقد است. اما شواهدی چند بر ثبوت خارجی معقولات ثانیه به نحو وجود رابط و تغایر خارجی این صفات با موصوفشان در خارج، با اتحاد وجودی آنها با موصوفشان، ارائه کرده‌اند:

۱. علامه طباطبایی بر سخن ملاصدرا حاشیه دارد. ملاصدرا فرمود:

بله، اشیا، در موجودیت متفاوت اند و برای هر یک، بهره‌ای از وجود است که برای دیگری نیست. پس، برای هر صفتی مرتبه‌ای از وجود است که آثار مختص به آن مرتبه بر آن صفت مترتب می‌شود. حتی اضافه‌ها و عدم ملکه‌ها و قوه و استعدادها نیز همین‌طورند. پس، این صفات بهره‌ضعیفی از وجود دارند و زمانی شیء به آنها متصف می‌شود که این صفات در موصوفشان وجود داشته باشند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۳۶-۳۳۷)

علامه در تأیید این حرف می‌نویسد:

این همان حرف حق صریح است که شکی در آن نیست. پیش از این گذشت که لازمه این امر که وجود رابط (نسبت اتصافی) به وجود طرفین قضیه و در طرفین قضیه موجود است این است که طرفین با هم در ظرف تحقق رابط محقق باشند. پس، معنا ندارد که یکی از طرفین قضیه ذهنی و دیگری خارجی باشد یا یکی حقیقی و دیگری مجازی باشد. (همان، ج ۱: ۳۳۸)

آنچه از این عبارت برمی‌آید این است که وجود رابط، که نسبت اتصافیه است، در خارج محقق است و، علاوه بر آن، طرفین نیز — به صورت اتحاد وجودی به‌رغم تغایر — در خارج محقق‌اند.

بر اساس دیدگاه علامه، صفات — چه انضمامی باشند و چه انتزاعی — در خارج وجود رابط دارند. پس، در تبیین این کلام علامه می‌گوییم: همان‌طوری که اتصاف در خارج ثبوت دارد، صفات نیز در خارج محقق‌اند، ولی به‌رغم تغایر، موصوف و صفت اتحاد وجودی دارند.

لازم به ذکر است در شواهدی دیگر بیان خواهد شد که تغایر در عین اتحاد وجودی همان تحقق به نحو وجود رابط می‌باشد.

۲. ایشان در پاسخ به اشکالی که در مورد تحقق خارجی امکان شده فرموده

است:

اتصاف به صفتی در خارج مستلزم تحقق صفت در خارج به صورت موجودی مستقل و منحاظ نیست، بلکه موجود بودن به وجود موصوف برای آن کفایت می‌کند. امکان از معقولات ثانیه فلسفی است که عروض آنها در ذهن و اتصاف به آنها در خارج می‌باشد، در حالی که در خارج به وجود موضوعاتشان موجودند. (مصباح یزدی، ب ۱۴۲۴: ۶۰)

۳. «مفهوم اعتباری به معنای مفهومی است که برای آن وجود منحاز از غیر خودش نباشد. در مقابل، مفهوم حقیقی دارای وجود منحاز است، مانند اعتباری بودن مقوله اضافه که به وجود طرفین اضافه موجود است، برخلاف جوهر که فی نفسه موجود است.» (همان: ۳۱۶)

۴. «اضافه در خارج موجود است ... اما نحوه وجود اضافه این گونه است که ذهن از دو موضوع که بین آنها نسبت متکرر و ملازمه وجود دارد وصفی ناعتی بدون اضافه کردن چیزی انتزاع می‌کند. پس، اضافه به وجود موضوعش موجود است و برای آن در خارج مابازاء مستقلی نیست.» (همان: ۱۶۴)

۵. «امر سوم. امکان در خارج به وجود موضوعش موجود است، نه این که صرف اعتبار عقلی باشد که صورتی در خارج نداشته باشد و نه اینکه وجود مستقلی در خارج داشته باشد، برخلاف برخی فلاسفه که گفته‌اند اعتبار عقلی محض است و صورتی در خارج ندارد و برخلاف برخی دیگر که گفته‌اند دارای وجود مستقل در خارج است.» (همان: ۵۹)

۶. «... این دو (امکان و وجوب) در خارج البته، نه وجود مستقل و منحاز بلکه به وجود موضوعشان موجودند. پس، این دو از شئون وجودی برای مطلق وجود می‌باشند، مانند وحدت و کثرت.» (همان: ۱۸)

در شواهدی که ذکر شد و شواهد دیگری که در این مورد وجود دارد و ذکر نشد، علامه در همه آنها به وجود صفت در خارج اعتراف دارد و لازمه وجود داشتن این صفات در خارج تغایر است. از طرفی، چون ایشان بر این باور است که وجود خارجی این صفات با وجودی منحاز نمی‌باشد، بلکه به وجود موضوعشان است پس، نحوه تحقق خارجی این صفات به نحو تغایر با موضوع در عین اتحاد با موضوعشان می‌باشد. و با توجه به بحث‌هایی که در مورد وجود مستقل و رابط از دیدگاه علامه داشتیم، وجود رابط در مقابل وجود مستقل است.

پس، موجود به وجود موضوع عبارت دیگری از وجود رابط می‌باشد. بنابراین، با ضمیمه کردن این مطالب که وجود رابط در خارج وجود فی‌غیره دارد و اینکه معقولات ثانیه موجود به وجود موضوع هستند و بدون اینکه وجودی مستقل و منحاز داشته باشند در خارج محقق‌اند، نتیجه می‌گیریم که معقولات ثانیه فلسفی در خارج به وجود رابط محقق‌اند.

چگونگی ارتباط معقولات ثانیه فلسفی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

در ابتدای مقاله اشاره شد که آیت‌الله مصباح یزدی مفاهیم فلسفی را مفاهیمی انتزاعی دانسته که با مقایسه ذهنی بین دو چیز به دست می‌آید. ایشان این مفاهیم را مفاهیمی می‌داند که از نحوه وجود اشیاء در خارج حکایت دارد و به وجود منشأ انتزاع در خارج محقق می‌شود. این مفاهیم وجود واحدی در خارج دارند که مصداق مفاهیم کثیری است.

از دیدگاه ایشان، ارتباط مفاهیم فلسفی با خارج به این معنا نیست که چون مفاهیم فلسفی در خارج به وجود منشأ انتزاع تحقق دارند، پس، چگونگی ارتباط این مفاهیم با خارج و ثبوت خارجی این دسته از مفاهیم به نحو وجود رابط می‌باشد، ایشان - برخلاف علامه طباطبایی - وجود خارجی رابط را در خارج نفی کرده و اعتقاد به خارجی بودن آن را خلط مباحث منطقی و فلسفی دانسته است. از این‌رو، در مورد چگونگی ارتباط مفاهیم فلسفی با خارج، ایشان اتصاف این مفاهیم و ثبوت خود این صفات را در خارج می‌داند، اما به وجود منشأ انتزاع، به این معنا که وجود واحدی در خارج هست که منشأ انتزاع این مفاهیم می‌شود، البته، با مقایسه و کندوکاو ذهنی. اما خود این صفات وجودی - حتی ضعیف - در خارج ندارند، بلکه صرفاً به وجود منشأ انتزاع موجودند. به بیان دیگر، خارج ظرف ثبوت اتصاف است، نه ظرف وجود خود صفات.

بر این مسئله شواهدی می‌توان ارائه کرد:

۱. «با دقت در سایر مقولات نسبی نیز روشن می‌شود که غیر از طرفین نسبت که منشأ انتزاع این مفاهیم‌اند امر عینی دیگری به نام «نسبت خارجی» وجود ندارد، چه برسد به این‌که در اثر نسبت، هیئت خاصی هم برای موضوع پدید آید. و اتصاف اشیاء خارجی به این‌گونه مفاهیم دلیل وجود ما بازا عینی برای آنها نیست، چنان‌که امر در همه معقولات ثانیة فلسفی به همین منوال است.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۰۱)

۲. «... چنان‌که دانستیم، مفهوم قوه و فعل از مفاهیم انتزاعی است و جز منشأ انتزاعشان مابازاء عینی دیگری ندارد. پس، رابطه بین قوه در واقع رابطه‌ای است بین دو وجودی که منشأ انتزاع این مفاهیم به‌شمار می‌روند.» (همان، ج ۲: ۲۵۶)

با توجه به شواهدی که ذکر شد و شواهدی دیگر، روشن است که از دیدگاه ایشان، مفاهیم فلسفی موجود به وجود منشأ انتزاع هستند و وجود جداگانه‌ای برای این مفاهیم در خارج نیست، چه مستقل و چه رابط. و عدم وجود خارجی - حتی به نحو رابط - از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی مبنی بر نفی وجود خارجی رابط تأثیر پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

از منظر علامه طباطبایی، معقولات ثانی فلسفی مفاهیمی اعتباری، غیر حقیقی و ذهنی‌اند که ذهن با نوعی عمل از نحوه وجود موضوعاتشان انتزاع می‌کند، ولی مصادیق آنها خارجی می‌باشند، هر چند وجود خارجی آنها وجودی منحاز و مستقل نمی‌باشد. به بیانی دیگر، عروض آنها ذهنی و اتصافشان خارجی است. ایشان در یک تقسیم‌بندی موجود را به دو قسم موجودی که وجود فی نفسه

دارد و موجودی که وجود فی غیره دارد دسته‌بندی می‌کند. از آن‌جا که ایشان این تقسیم‌بندی را مربوط به خارج می‌داند، برای اثبات این تقسیم‌بندی از قضایای خارجی که موضوع و محمول آن در خارج است کمک جسته و از رهگذر انطباق تمام اجزاء این نوع قضایا بر خارج از ذهن به اثبات وجود خارجی این دو قسم از وجود پرداخته است. ایشان برای اثبات این تقسیم‌بندی و اینکه در خارج می‌باشد دو برهان که یکی در ضمن دیگری است به کار برده است.

با دقت در این تعریف و دیدگاه علامه در مورد وجود رابط که آن را در خارج محقق می‌داند و برخی شواهدی که از نحوه وجود اقسام معقولات ثانیه ارائه می‌شود، فهمیده می‌شود که ایشان معقولات ثانیه را که صفات اشیاء هستند در خارج محقق می‌داند و چگونگی این تحقق را به نحو وجود رابط می‌شمارد، از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، مفاهیم فلسفی مفاهیمی می‌باشند که حمل بر اشیاء خارجی شده و با کندوکاو ذهنی انتزاع گشته و از انحاء وجود اشیاء نه حدود ماهوی آنها حکایت می‌کند. براساس دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، وجود رابط و نسبت بین موضوع و محمول در خارج محقق نمی‌باشد. ایشان درباره چگونگی ارتباط مفاهیم فلسفی با خارج بر این باور است که اتصاف این مفاهیم و ثبوت این صفات در خارج اما به وجود منشأ انتزاع است، به این معنا که وجود واحدی در خارج هست که با مقایسه و کندوکاو ذهنی منشأ انتزاع این مفاهیم می‌شود. اما خود این صفات وجودی - حتی ضعیف - در خارج ندارند بلکه صرفاً به وجود منشأ انتزاع موجودند. به بیان دیگر، خارج ظرف ثبوت اتصاف است، نه ظرف وجود خود صفات.

کتابنامه

- اسماعیلی، مسعود (۱۳۸۹). معقول ثانی فلسفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فناپی، محمد (۱۳۸۷). معقول ثانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۸). الاسفار الاربعه، قم: مصطفوی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (ب ۱۴۲۴) نهاییه الحکمة، مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (الف ۱۴۲۴) بدایه الحکمة، مؤسسه نشر اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار [ج ۶]، تهران: صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۵) تعلیقه بر نهاییه الحکمة، مؤسسه در راه حق.
- _____ (۱۳۸۳). آموزش فلسفه [۱]، تهران: امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی